

بررسی برخی از فرایندهای واجی در گویش لای زنگانی

واژگان کلیدی

* گویش لای زنگانی

* فرایندهای واجی

* ابدال

حسین رنجبر * abrak32@yahoo.com

دانشجوی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

چکیده

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی پیرامون برخی از فرایندهای واجی در گویش لای زنگانی است. بدین منظور، نگارنده با روش مصاحبه و گفت‌وگو، به‌طور گسسته طی مدت قریب به یک سال، به ضبط و فیش‌برداری مطالب پرداخته است. با توجه به این پژوهش، ده نوع همگونی میان همخوان‌ها، پنج نوع همگونی میان واکه‌ها، دو نوع ناهمگونی همخوانی و چهار نوع ناهمگونی واکه‌ای در این گویش متداول است. تبدیل توالی /-st/ به [-ss]، تبدیل توالی /-nd/ به [-nn] و تبدیل صورت اشتقاقی [-mb] به [-mm] از سایر تبدیل‌ها رایج‌تر است. سایشی شدگی، -ر شدگی و حذف از جمله فرایندهای تضعیفی است که در این گویش قابل مشاهده است. در فرایند تقویت، تبدیل همخوان سایشی به انسدادی و تبدیل همخوان سایشی به همخوان انسدادی- سایشی در این گویش متداول است. از دیگر فرایندهای واجی این گویش، کشش جبرانی است که ناشی از حذف همخوان‌های چاکنایی /h/ و /ʔ/ است. همچنین در گویش لای زنگانی خنثی‌شدگی در مورد دو صدای /š/ و /č/ بسیار شایع است و در مورد دو صدای /k/ و /g/ نیز به ندرت اتفاق می‌افتد.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۷/۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۶/۲۵

۱. مقدمه

پژوهش پیش رو به توصیف و تحلیل فرایندهای واجی «همگونی»، «ناهمگونی»، «تضعیف»، «تقویت»، «جابجایی»، «کشش جبرانی» و «خنثی‌شدگی» در گویش لای‌زنگانی اختصاص یافته است.

لای‌زنگان -lây-zangân- ده بزرگی از دهستان کوهستان بخش داراب شهرستان فسا است که در ۵۴ کیلومتری خاور داراب قرار دارد. این روستا در کوهستان قرار دارد و سردسیری است و ۲۳۳۵ تن جمعیت دارد و همه شیعه فارسی‌اند. آب آن از چشمه و راه آن مالرو است. محصولاتش بادام، مویز، انجیر، گردو و گل سرخ است. شغل مردم آن باغبانی و قالی‌بافی است. (رزمارا، ۱۳۳۰، ج ۷: ۲۱۰).

گویش این روستا آمیخته‌ای از چندین گویش است که تأثیر لری بر آن بیش‌تر از دیگر گویش‌ها است. (رنجبر و نمیرانیان، ۱۳۹۶: ۱۶). سلامی بر این باور است که: «گویش لای‌زنگانی گویشی لری است که بیش از دویست سال است از سرزمین مادری خود (کهگیلویه و بویراحمد) دور افتاده است.» (سلامی، ۱۳۹۰: ۱۳).

۱-۱. بیان مسأله

واحدهای آوایی زبان بر اثر هم‌نشینی دچار تغییراتی می‌شوند که این تغییرات را فرایند واجی می‌نامند. «فرایندهای واجی دلالت بر نوعی تغییر ساختاری در مشخصه‌ها یا عناصر واجی زبان دارند.» (بی‌جن‌خان، ۱۳۹۷: ۱۸۵). «به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری‌های آوایی و تظاهرات ناشی از آن فرایندهای واجی گفته می‌شود. فرایندهای واجی نمایانگر رابطه و ویژگی‌های سطح آوایی زبان با سطح واجی است.» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۶۴: ۱۰۸). علت فرایندهای واجی را در مشخصه‌های تولیدی صداها و نیز تأثیر شنیداری و درک آن‌ها می‌توان جست‌وجو کرد. هرکدام از صداها را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از مشخصه‌های آوایی تصور کرد. این مشخصه‌ها در ذهن اهل زبان جای دارد و هنگام تولید صداها از راه اعصاب گویایی به اندام‌های مناسب منتقل می‌شود و موجب می‌شود تا این اندام‌ها شکلی خاص بگیرند یا حرکت مناسبی را انجام

دهند. از این رو بر پایه گسترش یا از بین رفتن این مشخصه‌ها می‌توان توضیحی طبیعی برای فرایندهای واجی ارائه کرد. (همان: ۱۲۵).

در هر زبان، لهجه و گویشی با برخی از فرایندهای واجی روبه‌رو هستیم. فرایندهای واجی را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی آن دسته از فرایندهایی که می‌توان در چارچوب فرایندهای همگونی یا دگرگونی برایشان توجیهی بیابیم و دیگری آن دسته از فرایندهایی که نمی‌توانیم توجیه و قاعده‌ای مشخص برای آن‌ها در نظر بگیریم. در این پژوهش برآنیم تا نشان دهیم:

□ در گویش لای‌زنگانی با کدام یک از فرایندهای واجی روبه‌رو هستیم؟

□ علت بروز هر یک از این فرایندها چیست و قواعد حاکم بر آن‌ها کدام است؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پیرامون فرایندهای واجی، در زبان فارسی و گویش‌های ایرانی نو کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نوشته شده است. محمود بی‌جن‌خان در کتاب «واج‌شناسی: نظریه بهینگی»، (۱۳۸۴)، به ارائه نظریه بهینگی پرداخته و پس از طرح کلیات واج‌شناسی بهینگی به مشخصه‌ها و واجگان، ساخت هجا و واج‌آرایی و فرایندهای واجی زبان فارسی معیار پرداخته است. «نظریه بهینگی» را الن پرینس و پل اسمولنسکی (۱۹۹۳) در چارچوب نظام زایشی، مطرح کردند. ارائه این نظریه به انگاره واج‌شناسی بهینگی انجامید. در این نظریه محدودیت‌های نقض‌پذیر واجی ابزار اصلی برای تجزیه و تحلیل نظام آوایی زبان‌هاست. (بی‌جن‌خان، ۱۳۹۷: ۱). کامبوزیا در کتاب «واج‌شناسی: رویکرد قاعده‌بنیاد»، (۱۳۸۵)، پس از ارائه نظریه‌هایی نظیر واج‌شناسی زایشی، خودواحد، مورایی و ایکس، به بررسی فرایندهای همگونی، کشش جبرانی، کوتاه‌شدگی، حذف، درج و تشدید براساس این نظریه‌ها پرداخته است. نگارنده در این کتاب علاوه بر ارائه شاهدمثالی از زبان فارسی، از بسیاری از گویش‌های ایرانی نو نیز بهره گرفته است.

اما آنچه به پژوهش حاضر مربوط‌تر است، مقاله حسن رنجبر است با مشخصات «بررسی فرایندهای واجی ابدال، افزایش و کاهش در گویش لای‌زنگانی»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، دوره جدید، سال ششم، شماره یکم، بهار ۱۳۹۹. نگارنده در این جستار به

فرایند ابدال، افزایش و کاهش در گویش لای‌زنگانی پرداخته است. در این پژوهش منظور از «ابدال»، آن دسته از ابدال‌هایی بوده که در چارچوب فرایندهای همگونی و ناهمگونی توجیهی برایشان نبوده است. فرایند «کاهش» نیز در این جستار به دو دسته باقاعده و بی‌قاعده تقسیم شده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که از جمله ابدال‌های فعال این گویش ابدال زنجیره‌های /q/، /ɣ/، /d/، /t/ و /h/ و /ʔ/ به /y/ بیش‌تر به چشم می‌خورد. و در میان همخوان‌ها نیز ابدال همخوان‌های /q/، /ɣ/، /d/، /t/ و /h/ و /ʔ/ به /y/ و /aʃ/ به واکه مرکب /ô/ است. در میان همخوان‌ها نیز ابدال همخوان‌های /q/، /ɣ/، /d/، /t/ و /h/ و /ʔ/ به /y/ بیش‌تر به چشم می‌خورد. و در میان واژه‌ها این گویش، ابدال واکه بلند /i/ به /u/ و ابدال واژه‌های کوتاه /e/ و /a/ به /o/ در آغاز واژه‌ها پربسامدتر است. همچنین درمورد فرایند واجی درج و افزایش نشان می‌دهد که در گویش لای‌زنگانی در مواردی خاص همان‌گونه که طبیعت زبان فارسی است، هنگام التقای دو واکه، فرایند درج صورت می‌گیرد. در این گویش کارکرد درج [y] از سایر درج‌ها بیش‌تر است. (رنجبر، ۱۳۹۹: ۶۰).

۱-۳. روش پژوهش

روش گردآوری مطالب این پژوهش، کتاب‌خانه‌ای و میدانی بوده است. نگارنده در روش میدانی به مصاحبه و گفت‌وگو با بیش از بیست نفر از گویشوران لای‌زنگانی پرداخته است. برای گردآوری مطالب در این روش از دو شیوه ضبط صدا و فیش‌برداری استفاده کرده است. روش پژوهش نیز تحلیل محتوا با رویکرد تحلیلی-توصیفی بوده است.

۲. ارائه و تحلیل داده‌ها

۱-۲. همگونی

«گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگری پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌پذیرد. این فرایند را که شاید از جهانی‌های آوایی باشد همگونی می‌گویند.» (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

همگونی در حوزه‌های همخوان با واکه، همخوان با همخوان، واکه با همخوان و واکه با واکه امکان‌پذیر است (علی‌نژاد و میرسعیدی، ۱۳۹۳: ۱۶۵). معمولاً همگونی را به انواع مختلفی تقسیم می‌کنند برای مثال کلمنتس و هیوم سه نوع همگونی را مشخص کرده‌اند: ۱- همگونی

کامل یا تام، ۲-همگونی ناکامل یا ناقص، ۳-همگونی یک مشخصه (کرد زعفرانلو کامبوزیا، حجازی و رحمتی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۲).

۲-۱-۱. همگونی همخوان با همخوان

همگونی بین s و t (تبدیل توالی /-st/ به [-ss]؛ همگونی کامل پیشرو)

در گویش لای‌زنگانی همانند بسیاری از گویش‌های ایرانی نو هنگامی که همخوان /t/ پس از همخوان /s/ قرار می‌گیرد، ویژگی انسدادی خود را از دست می‌دهد و ویژگی سایشی را از همخوان مجاور پیش از خود به دست می‌آورد.



[dassa] ← /daste(a)/ دسته [bossun] ← /bostân/ بستان

[mossarâv] ← /mostarâh/ مستراح [bassan] ← /bastan/ بستن

[massi] ← /masti/ مستی [xasseyl] ← /xastagi/ خستگی

[assa] ← /hasta/ هسته [donossan] ← /dânestan/ دانستن

همگونی بین n و d (تبدیل توالی /-nd/ به [-nn]؛ همگونی کامل پیشرو)

در این گویش هرگاه همخوان /d/ پس از همخوان /n/ قرار گیرد، ویژگی انسدادی خود را از دست می‌دهد و ویژگی خیشومی را از همخوان مجاور پیش از خود به دست می‌آورد.

[rasonnan] ← /resândan/ رساندن [henessun] ← /hendustân/ هندوستان

[xonnan] ← /xândan/ خواندن [pasanniðan] ← /pasandidan/ پسندیدن

[kannan] ← /kandan/ کندن [pasennâz] ← /pasandâz/ پس انداز

[gannom] ← /gandom/ گندم [konnâγ] ← /qondâq/ قنداق

همگونی بین z و d (تبدیل توالی /-zd/ به [-zz]؛ همگونی کامل پیشرو)

[sizza] ← /sizde/ سیزده [dozzi] ← /dozdi/ دزدی

[šâzza] ← /šâzde/ شازده [dozzaki] ← /dozdaki/ دزدکی

همگونی بین d و z (تبدیل توالی /-dz/ به [-zz]؛ همگونی کامل پیشرو)

[bazzât] ← /badzât/ بدذات

همگونی بین d و l (تبدیل توالی /-ld/ به [-ll]؛ همگونی کامل پیشرو)

[šâlla] ← /šâl(o)de/ شالده

همگونی بین k و m (تبدیل توالی /-mk/ به [-nk])

به ندرت، اگر همخوان خیشومی و دولبی /m/ پیش از همخوان انسدادی و کامی /k/ واقع شود، ویژگی دولبی خود را از دست می‌دهد و ویژگی لثوی می‌گیرد تا با ویژگی کامی /k/ نوعی همگونی پیدا کند.

امکانات /emkânât/ ← [enkânât]

همگونی بین d و s (تبدیل توالی /-ds/ به [-ss]؛ همگونی کامل پسرو)

خودسر /xodsar/ ← [xossar] صدسال /sadsâl/ ← [sassâl]

همگونی بین č و z (تبدیل توالی /-čz/ به [-zz]؛ همگونی کامل پسرو)

هیچ‌جا /hičjâ/ ← [hijjâ]

همگونی بین d و t (تبدیل توالی /-dt/ به [-tt]؛ همگونی کامل پسرو)

صدتومان /sadtumân/ ← [sattoman]

بدتر /badtar/ ← [battar] صدتا /sadtâ/ ← [sattâ]

همگونی بین n و b (تبدیل توالی /-nb/ به [-mb]؛ همگونی ناقص)

در این گویش هرگاه همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ پیش از همخوان /b/ واقع شود، ویژگی دولبی می‌گیرد و با /b/ همگون می‌شود و در نتیجه به همخوان خیشومی و دولبی [m] تبدیل می‌شود.

انبه /anbe/ ← [amba] شنبه /šanbe/ ← [šambe(δ)]

بن‌بست /bonbast/ ← [bombas] منبر /me(a)nbar/ ← [me(a)mbar]

سنباده /sonbâde/ ← [sombâða]

تبدیل صورت اشتقاقی [-mb] به [-mm]

گفتیم که در این گویش هرگاه همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ پیش از همخوان /b/ واقع شود، ویژگی دولبی می‌گیرد و با /b/ همگون می‌شود و در نتیجه به همخوان خیشومی و دولبی [m] تبدیل می‌شود. اما آنچه کاربرد و بسامد بیش‌تری دارد، تبدیل صورت اشتقاقی [-mb] به [-mm] است. در این فرایند ابتدا همخوان /n/ با /b/ همگون می‌شود و پس از این‌که توالی /-nb/ به [-mb] تبدیل شد، [b] نیز در صورت اشتقاقی [-mb] دچار همگونی پیشرو می‌شود و به [m] تبدیل می‌شود ← [-mm]

پنبه /panba/ ← [pamma] زنبیل /zanbil/ ← [zammil]

تنباکو /tanbâku/ ← [tammōku] سنباده /sonbâde/ ← [sommâda]

تنبل /tanbal/ ← [tammal] شنبه /šanbe/ ← [šammeð]

همگونی همخوان /n/ با /b/ و تبدیل آن به [m] در بسیاری از گویش‌های فارس رخ می‌دهد. همچنین تبدیل صورت اشتقاقی [-mb] به [-mm] را در گونه زبانی زاخرویه‌ای در استان فارس می‌توان مشاهده کرد (منصف، کرد زعفرانلو کامبوزیا و گلفام، ۱۳۹۶: ۱۱۹-۱۲۲).

۲-۱-۲ نرم‌کامی شدگی

در این گویش هرگاه همخوان /n/ با ویژگی خیشومی و لثوی در مجاورت /g/ و /k/ قرار گیرد، نرم‌کامی می‌شود.

بنگی /bangi/ ← [baŋgi] بانک /bânk/ ← [bâŋk]

سنگ /sang/ ← [saŋg]

سنگین /sagin/ ← [saŋgin]

لنگه /lenga/ ← [leŋga]

پنکه /panka/ ← [paŋka]

۲-۱-۳. همگونی واکه با همخوان

همگونی واکه /â/ با همخوان /y/

این نوع همگونی در میان برخی از طایفه‌های این روستا بسیار متداول است.

لای‌زنگو /lâyzangu/ ← [leyzangu]

۲-۱-۴. همگونی همخوان با واکه

در گویش لای‌زنگانی هرگاه یکی از همخوان‌های چاکنایی /h/ یا /ʔ/ در میان یا در پایان واژه و در مجاورت واکه /i/ یا /e/ قرار گیرد، به همخوان ناسوده [y] تبدیل می‌شود.

ماهی /mâhi/ ← [møyi] بدهی /bedehi/ (بدهکاری) ← [bedeyi]

دائم /dâ'em/ ← [døyem] شاهین /šâhin/ ← [šøyin]

شجاعی /šojâ'i/ ← [šojâyi] کاهی /kâhi/ ← [køyi]

مصنوعی /masnu?i/ ← [masnuyi] کوهی /kuhi/ ← [kuyi]

این فرایند غالباً زمانی روی می‌دهد که همخوان‌های چاکنایی /h/ و /ʔ/ پیش از واکه‌های /i/ و /e/ واقع شوند، اما گاه در واژه‌هایی که این واکه‌ها مقدم‌اند نیز شاهد این نوع همگونی هستیم.

مهمان /mehmân/ ← [meymun] معده /me?da/ ← [meyða]

مهران /mehrân/ ← [meyrân]

۲-۱-۵. همگونی واکه با واکه

«وقتی واکه‌های موجود در یک کلمه، در بعضی مشخصه‌های واجی با یکدیگر همگون می‌شوند، در این صورت هماهنگی واکه‌ای به وجود می‌آید.» (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۹۷: ۱۹۰).

هماهنگی واکه /o/ با واکه /u/

فتوحی /fotuhi/ ← [futuyi] ستون /sotun/ ← [sutun]

دروغ /doruy/ ← [duruγ]

خروس /xorus/ ← [xurus]

هماهنگی واکه /u/ با واکه /o/

فروختن /foruxtān/ ← [foroxtān]

شلوغ /šoluγ/ ← [šoloy]

هماهنگی واکه /â/ با واکه /a/

کتیرا /katirâ/ ← [katira]

ماله /mâla/ ← [mala]

هماهنگی واکه /a/ با واکه /e/

رحم /rahem/ ← [rehem]

هماهنگی واکه /e/ با واکه /a/

درخت /deraxt/ ← [daraxt]

۲-۲. ناهمگونی

«فرایند ناهمگونی عکس فرایند همگونی است. در این فرایند یک همخوان که در یک یا چند مختصه آوایی با همخوان همنشین خود مشترک است، در ترکیب آن مختصه مشترک را از دست می‌دهد و مختصه‌های آوایی دیگری را به دست می‌آورد.» (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

۲-۲-۱. ناهمگونی همخوانی

ناهمگونی /n/ با همخوان‌های سایشی و لثوی /s/ و /z/ ← [m]

شانزده /šânzdah/ ← [šumza]

شانس /šâns/ ← [šâ(a)ms]

پانزده /pânzdah/ ← [pumza]

ناهمگونی دو همخوان /m/ در یک واژه

ممکن /momken/ ← [monken]

۲-۲-۲. ناهمگونی واکه‌ای

ناهمگونی دو واکه /a/ در یک واژه

تبر /tabar/ ← [tɔwar]

ارژن /aržan/ ← [aržen]

ناهمگونی دو واکه /â/ در یک واژه

بالاخونه /bâlâxuna/ ← [bâlaxuna]

آدامس /âdâms/ ← [âðams]

باقلا /bâqelâ/ ← [bâqela]

آفتابه /âftâbe/ ← [aftâva]

ناهمگونی دو واکه /u/ در یک واژه

دوغ‌دون /duyɖun/ (دوغ‌دان) ← [doɖɖun]

۲-۳-۲. تضعیف و تقویت

۲-۳-۱. تضعیف

تضعیف مجموعه‌ای از فرایندهای مختلف و متنوع را از تبدیل یک آوای بی‌واک به واکدار تا حذف یک آوا را شامل می‌شود. این فرایند، یکی از رایج‌ترین فرایندهای آوایی در زبان‌های دنیاست. (زاهدی و سلیمانی، ۱۳۹۴: ۶۴).

فرایندهایی مانند تبدیل انسدادی به سایشی، سایشی به ناسوده، تبدیل آواهای بی‌واک به واکدار و حذف آواهای ضعیف شده را می‌توان تحت عنوان فرایند تضعیف قرار داد. (رشیدی و رهسپار، ۱۳۹۵: ۵۱).

۲-۳-۱-۱. سایشی شدگی

سایشی شدگی از جمله فرایندهای تضعیف است. در این فرایند، یک همخوان انسدادی یا انسدادی-سایشی به همخوان سایشی تبدیل می‌شود.

تناوب میان /b/ و /v/

این فرایند از جمله فرایندهای پرکاربرد در گویش لای زنگانی است و می‌توان آن را یکی از وجوه تمایز این گویش از سایر گویش‌های ایرانی نو به شمار آورد.

آفتابه /âftâbe/ ← [aftâva] دوباره /dobâre/ ← [dovâra]

ابرو /abru/ ← [avru] صبر /sabr/ ← [savr]

حجاب /hejâb/ ← [hežâv] قاب /qâb/ ← [qâv]

جواب /javâb/ ← [jovâv] قبر /qabr/ ← [qavr]

اگر پیش از همخوان /b/ یکی از واکه‌های /o/ یا /u/ آمده باشد، به جای ابدال آن به همخوان لبی-دندانی /v/ به همخوان /w/ که دولبی و گرد است تبدیل می‌شود.

تبر /tabar/ ← [toward] چوبک /čubak/ ← [čuwak]

روباہ /rubâh/ ← [ruwa]

تبدیل همخوان انسدادی /q/ به همخوان سایشی [ɣ]

قالی /qâli/ ← [ɣoli] چاقو /čâqu/ ← [čâɣu]

قوچ /quč/ ← [ɣuč] قنداق /qondâq/ ← [konnâɣ]

قوری /quri/ ← [ɣu:ri]

تبدیل همخوان انسدادی /b/ به همخوان سایشی [ɣ]

چوب /čub/ ← [ɣuɣ] چوب /jub/ (جوی) ← [juɣ]

تبدیل همخوان انسدادی /q/ به همخوان سایشی [x]

در این گویش گاه همخوان /q/ در خوشه‌های دو همخوانی که عضو دوم آن‌ها یکی از همخوان‌های انسدادی یا سایشی باشد به /x/ تبدیل می‌شود.

تقصیر /taqsir/ ← [taxsir] وقت /vaqt/ ← [vaxt]

رقص /raqs/ ← [raxs] نقش /naqš/ ← [naxš]

تبدیل همخوان انسدادی /p/ به همخوان سایشی [f]

پریدن /paridan/ ← [ferkiðan] شیپور /šeypur/ ← [šeyfur]

تبدیل همخوان انسدادی /b/ به همخوان سایشی [f]

ضبط /zabt/ ← [zaft] مطابق /motâbeq/ ← [motâfeq]

تبدیل همخوان انسدادی /g/ به همخوان سایشی [ɣ]

تگرگ /tagarg/ ← [te(a)ɣerk] مگس /magas/ ← [mayaz]

لگد /lagad/ ← [laɣat]

تبدیل همخوان‌های انسدادی /g/ و /k/ به همخوان ناسوده [y]

تکلیف /taklif/ ← [taylif] لگن /lagan/ ← [layan]

دکتر /doktor/ ← [doytor] نکبت /nekbət/ ← [neyvat]

سگ /sag/ ← [say]

تبدیل همخوان انسدادی-سایشی /z/ به همخوان سایشی [ž]

از جمله فرایندهای پُربسامد در گویش لای‌زنگانی، ابدال همخوان /j/ به /ž/ است.

اجیر /ajir/ ← [ažir] مجبور /majbur/ ← [mažvur]

اینجا /injâ/ ← [i:žâ]

تاج /tâj/ ← [tâž]

حاجی /hâji/ ← [hoži]

عجب /ajab/ ← [ažav]

کج /kaj/ ← [kaž]

تبدیل همخوان انسدادی /d/ به همخوان سایشی [ð]

در گویش لای‌زنگانی هرگاه همخوان انسدادی /d/ پس از یکی از واکه‌ها واقع شود، سایشی شده و به [ð] تبدیل می‌شود. واج /ð/ در اصل بدل از /t/ در فارسی میانه است که رفته رفته همه جا به /d/ تبدیل شده است. تنها در کتابت چند واژه از قبیل «گذشتن»، «پذیرفتن» و نظیر این‌ها، صورت این واج حفظ شده که تلفظ آن /z/ است. (خانلری، ۱۳۹۲، ج دوم: ۷۴).

باد /bâd/ ← [bâð]

سود /sud/ ← [suð]

بود /bud/ ← [bið]

شد /šod/ ← [šoð]

بد /bad/ ← [bað]

آنچه در این فرایند، گویش لای‌زنگانی را از سایر گویش‌ها و فارسی دری متفاوت می‌کند این است که در گویش لای‌زنگانی، هرگاه همخوان /d/ پس از همخوان ناسوده /y/ واقع شود نیز به [ð] تبدیل می‌شود.

پیدا /peydâ/ ← [peyðâ(â)]

میدان /meydân/ ← [meyðun]

معدۀ /me?da/ ← [meyða]

۲-۳-۱-۲. ر-شدگی

در فرایند ر-شدگی یک همخوان به همخوان غلتان [r] تبدیل می‌شود. در گویش لای‌زنگانی به ندرت پیش می‌آید که همخوان انسدادی /d/ به همخوان غلتان [r] تبدیل شود.

ساجدی /sâjedi/ ← [sâjeri]

جمشید /jamšid/ ← [jamšir]

۲-۳-۱-۳. حذف

«حذف اغلب آخرین مرحله از فرایند ضعیف‌سازی یا نرم‌سازی است. هرچه یک واج ضعیف‌تر باشد بیش‌تر در معرض حذف شدن قرار دارد.» (نمیرانیان و آقایی، ۱۳۸۶: ۷۰). برای مثال در گویش لای‌زنگانی می‌توان بدین نمونه‌ها اشاره کرد:

باید /bâyad/ ← [bâyað] ← [bâya]

انسدادی ← سایشی ← صفر

ریگزار /rigzâr/ ← [riyzâl] ← [rizâr]

انسدادی ← ناسوده ← صفر

قابلمه /qâblama/ ← [qâvloma] ← [qâloma]

انسدادی ← سایشی ← صفر

۲-۳-۲. تقویت

به تبدیل همخوان سایشی یا غلتی به انسدادی تقویت می‌گویند. در این گویش به ندرت همخوان‌های سایشی به همخوان‌های انسدادی تبدیل می‌شوند.

تبدیل همخوان سایشی /v/ به همخوان انسدادی [b]

نانوایی /nânvâyi/ ← [numbøy]

تبدیل همخوان سایشی /f/ به همخوان انسدادی [p]

نصف /nesf/ ← [nesp] فتیله /fatila/ ← [palita]

تبدیل همخوان سایشی /x/ به همخوان انسدادی [q]

بخیه /baxya/ ← [baq(i)ya]

تبدیل همخوان سایشی /ɣ/ به همخوان انسدادی [q]

استفراغ /estefrâɣ/ ← [estefrâq] غشیان /ɣasayân/ ← [qasyun]

سراغ /sorâɣ/ ← [sorâq]

تبدیل همخوان سایشی /ʒ/ به همخوان انسدادی-سایشی [z]

ژاکت ← جاکت jâkat

ژاندارم ← جاندار jândâr

۲-۴. جابجایی (قلب)

«گاهی دو همخوان در ترکیب بر اثر همنشینی جای خود را با هم عوض می‌کنند به طوری که همخوان نخستین جایگاه دومین را می‌گیرد و همخوان دومین به جای همخوان نخستین می‌نشیند. این فرایند را قلب گویند.» (حق‌شناس، ۱۳۸۰: ۱۵۶). فرایند واجی قلب موجب آسان‌تر تلفظ شدن واژه‌ها می‌شود. (باقری، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

توبره /tubre/ ← [torva] فسخ /fasx/ ← [faks]

زبر /zebr/ ← [z(d)erv] قفل /qofl/ ← [qolf]

سقف /saqf/ ← [sabq] نرخ /nerx/ ← [nexr]

طفلک /teflak/ ← [telfak]

۲-۵. کشش جبرانی

«اگر در زنجیره گفتار واحد آوایی حذف شود واکهٔ هجای مربوطه کشیده‌تر می‌شود این کشش را کشش جبرانی می‌گویند.» (رحیمیان و رزمجو، ۱۳۸۹: ۶۶).

در گویش لای‌زنگانی همانند فارسی محاوره و بسیاری از گویش‌های ایرانی نو، کاهش دو همخوان چاکنایی /h/ و /ʔ/ پُرسامد است. معمولاً این نوع کاهش با پدیدهٔ کشش جبرانی همراه است. «تعدادی فرایند حذف در زبان فارسی زایا هستند که بیش‌تر آن‌ها به ساده‌سازی خوشه‌های صامتی مربوط می‌شوند. صامت /h/ و /ʔ/ بیش‌تر از دیگر صامت‌ها حذف می‌شوند.» (ماهوتیان، ۱۳۸۴: ۳۱۹). کشش جبرانی را می‌توان با قاعدهٔ صوری VCC → V:C نشان داد (کرد زعفرانلو کامبوزیا و شعبانی، ۱۳۸۶: ۳۵).

کشش به سبب کاهش همخوان /h/

احتمالاً /ehtemâlan/ ← [e:temâlan] تَه /tah/ ← [ta:]

بهتر /behtar/ ← [be:tar] تَهْمَت /tohmat/ ← [to:mat]

تنها /tanhâ/ ← [te:nâ] راه /râh/ ← [râ:]

کهنه /kohna/ ← [ko:na] صلح /solh/ ← [so:l]

مهدی /mahdi/ ← [ma:ði] قحط /qaht/ ← [qa:t]

کشش به سبب کاهش همخوان /؟/

معرفت /ma?refat/ ← [ma:refat] اعتقاد /e?teqâd/ ← [e:teqâð]

معلوم /ma?lum/ ← [ma:lum] بعداً /ba?dan/ ← [ba:ðan]

معمولی /ma?muli/ ← [ma:muli] جعفری /ja?fari/ ← [ja:fari]

شمع /šam?/ ← [š:m]

۲-۶. خنثی‌شدگی تقابل واجی

«صورت آوایی تعدادی از واژه‌ها، بافت آوایی خاصی را نشان می‌دهد که در آن‌ها تمایز واجی دو صدا از میان رفته است. بدین معنی که دو صدا که معمولاً کاربرد هریک از آن‌ها در برابر دیگری موجب تمایز معنایی می‌شود، در بافت‌های آوایی خاصی تمایز واجی خود را از دست می‌دهد و به طور یکسان و بدون ایجاد تمایز معنایی در یک جایگاه ظاهر می‌شود. در این‌گونه بافت‌ها آنچه از جانب گوینده انتخاب می‌شود، مشخصه‌های واجی مشترک میان دو صداست که در آن جایگاه ظاهر می‌گردد. از همین‌رو ظاهر شدن هریک از دو صدا که تمایز واجی آن‌ها خنثی شده است، تنها یک تفاوت آوایی است. به این پدیده خنثی شدن تقابل واجی گفته می‌شود.» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۶۴: ۱۲۳). در گویش لای‌زنگانی خنثی‌شدگی در مورد دو صدای /š/ و /č/ بسیار شایع است و در مورد دو صدای /k/ و /g/ نیز به ندرت اتفاق می‌افتد.

پخش ← [paxš/ paxč] نقش ← [naxš/ naxč]

تنخس ← [toxš/ toxč] بانک ← [bânk/ bâng]

صخره ← [laxš/ laxč] بوی بد، بوی نامطلوب ← [bu-berk/ bu-]

کاسه ← [kušku/ kučku] [berg]

کوچک ← [kuškak/ kučkak]

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به این پژوهش، در گویش لای‌زنگانی ده همگونی میان همخوان‌ها قابل مشاهده است. در این میان تبدیل توالی /-st/ به [-ss]، تبدیل توالی /-nd/ به [-nn]، تبدیل توالی /-zd/ به [-zz] و تبدیل توالی /-nb/ به [-mb] بسیار متداول است. همچنین تبدیل صورت اشتقاقی [-mb] به [-mm] در این گویش بسیار رایج است. در این فرایند ابتدا همخوان /n/ با /b/ همگون می‌شود و پس از این‌که توالی /-nb/ به [-mb] تبدیل شد، [b] نیز در صورت اشتقاقی [-mb] دچار همگونی پیشرو می‌شود و به [m] تبدیل می‌شود ← [-mm]. چنان‌که که پیداست، همخوان‌های خیشومی از انسدادی‌ها غالب و رساتر هستند. همچنین در مقایسه انسدادی‌ها و سایشی‌ها، سایشی‌ها غالب و رساتر هستند. در گویش لای‌زنگانی نوعی همگونی همخوان با واکه قابل مشاهده است بدین ترتیب که هرگاه یکی از همخوان‌های چاکنایی /h/ یا /ʔ/ در میان یا در پایانِ واژه‌ای در مجاورت واکه /i/ یا /e/ قرار گیرد، به همخوان ناسوده [y] تبدیل می‌شود. در همگونی واکه با واکه پنج نوع همگونی قابل مشاهده است: هماهنگی واکه /o/ با واکه /u/، هماهنگی واکه /u/ با واکه /o/، هماهنگی واکه /â/ با واکه /a/، هماهنگی واکه /a/ با واکه /e/ و هماهنگی واکه /e/ با واکه /a/.

در فرایند ناهمگونی، دو نوع ناهمگونی همخوانی و چهار نوع ناهمگونی واکه‌ای در این گویش متداول است بدین قرار: ناهمگونی /n/ با همخوان‌های سایشی و لثوی /s/ و /z/ و ناهمگونی دو همخوان /m/ در یک واژه. ناهمگونی دو واکه /a/ در یک واژه، ناهمگونی دو واکه /â/ در یک واژه و ناهمگونی دو واکه /u/ در یک واژه.

با توجه به نظریه قوت آوایی، فرایندهای تضعیف و تقویت در این گویش متداول است. سایشی شدگی مانند تناوب میان /b/ و /v/ و تبدیل همخوان انسدادی /q/ به همخوان سایشی [ɣ]، ر-شدگی و حذف از جمله فرایندهای تضعیفی است که در این گویش قابل مشاهده است. در فرایند تقویت، تبدیل همخوان سایشی به انسدادی و تبدیل همخوان سایشی به همخوان انسدادی-سایشی در این گویش متداول است.

قلب، کشش جبرانی و خنثی‌شدگی تقابل واجی از دیگر فرایندهای واجی در گویش لای‌زنگانی است. کاهش دو همخوان چاکنایی /h/ و /ʔ/ در این گویش پُرسامد است و معمولاً این نوع

کاهش با پدیده کشش جبرانی همراه است. در این گویش خنثی شدگی در مورد دو صدای /š/ و /č/ بسیار شایع است و در مورد دو صدای /k/ و /g/ نیز به ندرت اتفاق می‌افتد.

منابع

کتاب‌ها

- باقری، مه‌ری. (۱۳۸۸). *تاریخ زبان فارسی*. چاپ چهاردهم، تهران: قطره.
- بی‌جن‌خان، محمود. (۱۳۹۷). *واج‌شناسی: نظریهٔ بهینگی*. چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۹۳). *آواشناسی (فونتیک)*. چاپ پانزدهم، تهران: آگه.
- خانلری، پرویز. (۱۳۹۲). *تاریخ زبان فارسی: دورهٔ یک‌جلدی*، جلد دوم. چاپ نهم، تهران: نشر نو.
- رحیمیان، جلال و رزمجو، سید آیت‌الله. (۱۳۸۹). *مبانی زبان شناسی ۱*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- رزم‌آرا، حسینعلی. (۱۳۳۰). *فرهنگ جغرافیایی ایران*، جلد هفتم. تهران: چاپخانه‌ی ارتش.
- سلامی، عبدالنبی. (۱۳۹۰). *گنجینهٔ گویش شناسی فارس*، دفتر ششم. تهران: نشر آثار.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (۱۳۹۷). *واج‌شناسی: رویکرد قاعده‌بنیاد*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ماهویتیان، شهرزاد. (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. ترجمهٔ مهدی سمائی، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- مشکوٰه‌الدینی، مهدی. (۱۳۶۴). *ساخت آوایی زبان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

مقاله‌ها

رشیدی، ناصر و رهسپار، فرخنده، (۱۳۹۵)، «بررسی برخی فرایندهای واجی در گویش دارابی»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، شماره ۱۱، صص ۴۱-۵۴.

رنجبر، حسن، (۱۳۹۹)، «بررسی فرایندهای واجی ابدال، افزایش و کاهش در گویش لای‌زنگانی»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال ششم، شماره ۱، صص ۴۳-۶۴.

رنجبر، حسن و نمیرانیان، کتایون، (۱۳۹۶)، «ساختار اتباع در گویش لای‌زنگان داراب»، فصلنامه پازند، سال ۱۳، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۱۵-۲۴.

زاهدی، محمدصدیق و سلیمانی، حبیب، (۱۳۹۴)، «تحلیل بهینگی فرایند تضعیف در کردی سنندجی»، مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، سال دوم، شماره ۸، صص ۶۳-۷۸.

علی‌نژاد، بتول و میرسعیدی، عاطفه‌سادات. (۱۳۹۳). «فرایند واجی همگونی همخوان با همخوان در زبان فارسی: بررسی صوت‌شناختی». فصلنامه زبان‌پژوهی، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۱۶۳-۱۸۶.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و شعبانی، منصور، (۱۳۸۶)، «برخی از فرآیندهای واجی در گویش گیلکی رودسر»، زبان و زبان‌شناسی، دوره سوم، شماره ۵، صص ۲۱-۳۸.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه، حجازی، محمدجواد و رحمتی‌نژاد، لیلا، (۱۳۹۵)، «همگونی همخوان با همخوان در گویش دماوندی: نظریه هندسه مشخصه‌های واجی»، دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز، سال اول، شماره اول، صص ۲۳-۵۲.

منصف، ماهرخ، کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و گلفام، ارسلان، (۱۳۹۶)، «بررسی مقایسه‌ای فرایند همگونی در گونه‌های زبانی استان فارس»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، شماره ۱۷، صص ۱۱۵-۱۳۵.

نمیرانیان، کتایون و آقایی، جعفر، (۱۳۸۶)، «بررسی آواشناسی گویش کوردهی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۶، شماره ۴، صص ۷۶-۵۵.